

بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر نابرابری های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان نورآباد لرستان

صفی اله صفایی^۱، یوسف یگانه^۲

^۱دکتری علوم اجتماعی، استادیار دانشگاه پیام نور همدان

^۲دانشجوی کارشناسی ارشد جامعه شناسی دانشگاه پیام نور همدان، دبیر آموزش

و پرورش نورآباد لرستان

چکیده

هدف از پژوهش حاضر به بررسی عوامل جامعه شناختی موثر بر نابرابری های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان نورآباد لرستان می باشد. تحقیق حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده ها، از دسته تحقیقات همبستگی می باشد. جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان دلفان می باشد بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان، تعداد ۲۳۴ نفر از آنان به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شدند. روش نمونه گیری نیز به صورت تصادفی طبقه ای بود که ۱۵۶ نفر از دانش آموزان دختر و ۷۸ نفر از دانش آموزان پسر بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته ۱۶ سوالی استفاده شده است در این پژوهش برای بررسی نرمال بودن توزیع داده ها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شد. یافته ها نشان می دهد که ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه بین عوامل جامعه شناختی و نابرابری های اجتماعی و رفتارهای پرخطر (مطالعه موردی شهرستان نورآباد لرستان) ۰/۳۹۵ برآورد گردیده است. با توجه به ملاک ها، می توان گفت که بین عوامل جامعه شناختی و نابرابری های اجتماعی و رفتارهای پرخطر در دانش آموزان دوره متوسطه (مطالعه موردی شهرستان نورآباد لرستان) رابطه همبستگی متوسطی وجود دارد که با توجه به سطح معناداری که برابر ۰/۰۰۱ برآورد گردیده است، این میزان همبستگی در سطح اطمینان ۰/۹۹ از لحاظ آماری معنادار قلمداد می گردد.

واژگان کلیدی: عوامل جامعه شناختی، نابرابری های اجتماعی، رفتارهای پرخطر، شهرستان دلفان

۱. مقدمه

نابرابری اجتماعی به موقعیت های نابرابر بین افراد اشاره دارد که می تواند سیاسی، اقتصادی و فرهنگی باشد. نابرابری اجتماعی، بنیادهای متعددی میتواند داشته باشد. عده ای از محققان معتقدند که بنیادهای نابرابری در اصل مبتنی بر تفاوت هایی است که جامعه در رفتار و برخورد با افراد بین آنها قایل میشود. علت اینکه فرق گذاری مشخصه هایی همچون طبقه اجتماعی، اقتصادی، نژاد، قومیت، جنسیت و دین است که به طریق اجتماعی تعریف شده اند. از آنجا که طبقه اساسی ترین نوع نابرابری یعنی تفاوت در میزان دسترسی مردم به ابزار مادی زندگی است لذا در اکثر بحث های مربوط به نابرابری اجتماعی از اهمیت بسیاری برخوردار است. اما نابرابری اجتماعی ضرورتاً طبقاتی نیست مثلاً اختلاف دستمزد میان یک کارگر ساده و یک کارگر متخصص این دو را در دو طبقه مختلف اجتماعی قرار نمی دهند. نابرابری است که ریشه در ساختار زندگی اقتصادی داشته باشید و به عملکرد متفاوت اقتصادی مربوط می شود و از راه نهادهای اساسی اجتماعی و قانونی هر دوره تداوم یافته و تشدید میشود.

جوانی ساخت جمعیت و تأخر فرایند جامعه پذیری نسبت به نظم نوین جهانی در جامعه در حال گذار ایران معاصر، به رشد مسأله بزهکاری جوانان و نوجوانان منجر شده است. در این زمینه، جوانانی که نمی توانند به خاطر ضعف عملکرد کارگزاران و عوامل جامعه پذیری و نابسامانی فضای ساختی حاکم بر نظام اجتماعی، تمایلات خود را به سوی رفتارهای همنا و بهنجار هدایت نمایند، ناگزیر به ناهمناوی کشیده شده و رفتارهای انحرافی و بزهکارانه از خود بروز می دهند (محمدی اصل، ۱۳۸۵).

رفتارهای بزهکارانه جوانان انواع مختلفی دارد که بر حسب عمق، شدت و پیامدهای آن به بزهکاری های شدید مانند تجاوز به عنف، سرقت مسلحانه، سوء مصرف الکل و مواد مخدر و بزهکاری های ملایم نظیر: فرار از خانه و مدرسه، تخریب اموال عمومی و خصوصی و دزدی های کوچک تقسیم می شوند. در این پژوهش به رفتارهای بزهکارانه شدید که با عنوان رفتارهای پرخطر نامیده می شوند، پرداخته می شود.

مفهوم رفتار پرخطر به عنوان رفتاری تعریف می شود که می تواند بهزیستی، سلامتی و مسیر زندگی را به خطر بیندازد و دارای نتایج منفی و پیامدهای مضر می باشد. برای مثال، مصرف مواد مخدر می تواند به آزار و اذیت والدین منجر شود، فعالیت زود هنگام جنسی می تواند به بچه زایی ناخواسته منجر گردد، یا پیامد ترک تحصیل، بیکاری مزمن می باشد. در اینجا باید به دو مسأله توجه نمود؛ مسأله اول پیامدها و نتایج مخرب ناشی از درگیری نوجوانان و جوانان در رفتارهای پرخطر می باشد، مسأله دوم این است که چرا نوجوانان و جوانان اقدام به رفتارهای پرخطر می کنند (جسور، ۱۹۹۸). رفتارهای پرخطر به رفتارهایی گفته می شود که احتمال نتایج منفی و مخرب جسمی، روان شناختی و اجتماعی را برای فرد افزایش دهد (زاده محمدی و احمدآبادی، ۱۳۸۷: ۸۸-۸۹).

علل عمده مرگ و بیماری هم در کشورهای صنعتی و هم در حال توسعه به تعداد نسبتاً محدودی از رفتارهای پرخطر برمی گردد که عمدتاً از سنین نوجوانی و جوانی شروع می شود (آنتقینی و همکاران، ۲۰۰۱: ۲۹۵). نوجوانان و جوانان یکی از مهم ترین گروه های در معرض رفتارهای پرخطر مانند ایدز (مظفرزاده و وحدانی نیا، ۱۳۸۷: ۱۷۳-۱۸۰)، خودکشی (علیوردی نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۱-۱۸)، فعالیت های جنسی، خشونت و مواد مخدر هستند (فلیشر و چالتون، ۲۰۰۱: ۲۳۵-۲۴۱؛ باسکین سامرز و سامرز، ۲۰۰۶: ۶۰۹-۶۱۱). از آنجایی که عوامل اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی نقش مهمی در سوگیری رفتاری افراد و به ویژه نوجوانان و جوانان ایفا می کنند، در صورتی که این عوامل نتوانند نقش خود را به شکل مطلوبی ایفا نمایند، نوجوانان و جوانان دچار چالش شده و ممکن است فشار ناشی از این چالش ها و مشکلات، فرد را به سمت رفتارهای پرخطر بکشاند. دوره جوانی، دوره تجربه آموزی است و از این رو، با خطرهای گوناگونی در مسیر کسب تجربه مواجه می شوند (باریکانی، ۱۳۸۷: ۱۹۲-۱۹۳).

نمونه دیگر همان نظام طبقاتی سنگین و ناروا در دوران ساسانیان است که طبقات پایین حتی از حق آموزش و پرورش رسمی محروم بوده اند. و نمونه آشنای دیگر موقعیت قوم بنی اسرائیل در زمان پادشاهی رمس پنجم و ششم مصر است. قوم بنی اسرائیل که به دعوت عزیز مصر - یوسف - از کنعان به مصر دعوت میشوند و با آنها چونان میهمانانی محترم و عالیمقام رفتار میشود پس از چند قرن سکونت در مصر به

بردگی گرفته میشوند و ظلم و ستمی نکوهیده بر آنان می رود تا جاییکه استغاثه آنان به خدا میرسد و خدا برایشان نجات دهنده به نام موسی ع می فرستد .

نابرابری اجتماعی نیز کاملاً منحل نشده است . امروزه طبقات اجتماعی به طور پنهان برخی از رسوبات آن را تحمل میکنند گرچه آنچه که بیشتر از همه انواع نابرابری چهره کریه خود را به تمدن بشری تحمیل کرده است نابرابری اقتصادی است و نابرابری اجتماعی در نابرابری اقتصادی تحلیل رفته است . اما نمی توان ساده انگارانه و خوشخیالانه پنداشت که نابرابری اجتماعی به طور کامل محو شده است . مشکلات قومیتی و مذهبی نیز یکی از نشانه های جامعه شناختی است که در ورای آن میتوان درد های مزمن نابرابری اجتماعی را مشاهده کرد . همیشه گروه های سیاسی تند رو از این نابرابری ها به عنوان زمینه و فرصت مناسب عضو گیری استفاده کرده اند در کشور ما در سه ده پیش این نابرابری ها به شکل قائله های برخی استان های مرزی بروز و ظهوری تلخ داشت . معمولاً به رسمیت شناختن سایر انواع نابرابری تبدیل به یک نابرابری متصلب و نامبارک دیگری میشود که اصطلاحاً به آن نابرابری حقوقی گفته میشود . مثلاً نظام حقوقی آپارتاید در افریقای جنوبی و با رژیم حقوقی کاپیتالاسیون که در زمان حکومت سابق در ایران وجود داشت و زمینه ساز نارضایتی های جدی فعالان سیاسی و مردم شد . از نمونه های روشن نابرابری های حقوقی است . و صد البته که این نوع نابرابری به شدت امکان استتار و هم رنگ سازی به محیط و پارادیمهای فرهنگی دارد . امروزه قوانین زیادی وجود دارد که حکایت از نابرابری دارد . از مثال های مشهور که برخی حقوق دانان منتقد به آن می پردازند نظام حقوق زن در اسلام و قوانین موضوعه مستتب از آن در کشور ماست . اموری مانند ارث و دیه و ولایت بر فرزند . رضاع . طلاق . سفر که نابرابر تلقی میشود و باید اذعان کنم که دین اسلام در عصر پیدایی و گسترش خود از پیشگامان صادق و صمیمی محو بسیاری از نابرابری ها و یا لا اقل کم رنگ کردن تبعض ها بوده است و بواسطه همین خصلت ضریب نفوذ آن در جهان ان روزگار از سرعت بالایی برخوردار بوده است

۲. مبانی تجربی

-رضضانی و همکاران (۱۳۹۱) در تحقیقی با عنوان "تعیین اثربخشی آموزش مهارت های اجتماعی بر درمان اعتیاد افراد مراجعه کننده به کلینیک تهران"، تعداد ۲۰ نفر از افراد مبتلا به اختلال مصرف مواد مراجعه کننده به کلینیک تهران به صورت مورد در دسترس را مورد بررسی قرار دادند. افراد انتخاب شده به صورت مساوی در دو گروه آزمایش و شاهد قرار گرفتند. از هر دو گروه، پیش آزمون و پس آزمون صورت گرفت. پس از یک ماه پیگیری، نتایج نشان داد که مهارت های ارتباطی و تعاملی در گروه آزمایش در مقایسه با گروه شاهد افزایش معناداری داشته است. در گروه شاهد یک نفر پس از یک ماه دچار لغزش شد، اما هیچ یک از افراد در دو گروه عود یا بازگشت نداشتند.

-مقتدایی و همکاران (۱۳۹۰) به بررسی اثربخشی برنامه آموزش مبتنی بر مهارت های اجتماعی بر میزان رفتارهای قربانی کودکان پسر مقطع ابتدایی شهر اصفهان پرداختند. افراد مورد بررسی شامل ۴۰ دانش آموز قربانی بود که بر اساس نمونه گیری چندمرحله ای، انتخاب و در دو گروه آزمایش و کنترل ۲۰ نفری تقسیم شدند. مداخله آموزشی مبتنی بر مهارت های اجتماعی بر روی گروه آزمایش اجرا شد. در پس آزمون و پیگیری مقیاس سنجش روابط همگنان بر دو گروه کنترل و آزمایش مجدداً اجرا گردید. یافته های تحلیل کوواریانس داده ها نشان داد که برنامه آموزشی مبتنی بر مهارت های اجتماعی، به کاهش میزان رفتارهای قربانی و رفتارهای زورگویی کودکان قربانی منجر شد.

-باریکانی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "رفتارهای پرخطر در نوجوانان مدارس راهنمایی و دبیرستان های شهر تهران"، تعداد ۷۰۰ دانش آموز دختر و پسر را در مناطق ۱۰، ۱۳ و ۱۸ آموزش و پرورش شهر تهران، به روش نمونه گیری چند مرحله ای-تصادفی مورد آزمون قرار داد. نتایج نشان دهنده وجود رفتارهای پرخطری مانند مصرف سیگار، الکل و سایر مواد در بین دانش آموزان بود. ۱۲ درصد پاسخگویان سیگار مصرف می کردند، ۳۰/۶ درصد تجربه مصرف قلیان را داشتند، ۱۰ درصد الکل و ۲ درصد نیز هرویین مصرف کرده بودند.

-زاده محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) در تحقیقی با عنوان "هم وقوعی رفتارهای پرخطر در بین نوجوانان دبیرستان های شهر تهران"، با روش نمونه گیری طبقه ای و متناسب با حجم، تعداد ۸۰۷ دانش آموز دختر و پسر دبیرستانی شهر تهران را انتخاب و مورد بررسی قرار دادند. یافته ها نشان داد که برحسب یک مقیاس ۵ قسمتی، میانگین خرده مقیاس های گرایش به جنس مخالف ۳/۲۴، رابطه و رفتار جنسی ۲/۱۵، مصرف الکل ۲/۰۰، مصرف سیگار ۱/۸۷ و مصرف مواد مخدر و روان گردان ۱/۷۴ بوده است. همچنین، نتایج حاکی از این بود که بین تمامی رفتارهای پرخطر

رابطه مثبت و معناداری برقرار است. مصرف الکل، دوستی با جنس مخالف و مصرف مواد مخدر و روان گردان به همراه جنسیت (پسر)، تحصیلات مادر (دانشگاهی)، رشته تحصیلی (انسانی) و درآمد خانواده (زیر ۲۰۰ هزار تومان) بیشترین واریانس خطرپذیری جنسی نوجوانان را تبیین کرده است.

-سلیمانی نیا (۱۳۸۶) در تحقیقی به بررسی تفاوت‌های جنسیتی نوجوانان در ارتکاب انواع رفتارهای پرخطر پرداخت. نمونه مورد پژوهش شامل ۳۸۵ نوجوان دختر و پسر ۱۴ تا ۱۹ ساله دبیرستان‌های منطقه ۵ تهران بود. نتایج به دست آمده نشان داد که شایع‌ترین رفتار پرخطر در بین نوجوانان، مصرف الکل، پس از آن به ترتیب، مصرف سیگار، رفتار جنسی نایمن، خشونت، مصرف مواد و اقدام به خودکشی بوده است. یافته‌ها همچنین، بیانگر تفاوت معنادار پسران و دختران در رابطه با رفتارهای پرخطری مانند مصرف سیگار، مصرف الکل و مواد مخدر بوده است، اما در رابطه با خشونت، خودکشی و رفتار جنسی نایمن تفاوت معناداری مشاهده نشد.

-فن فوگت و همکاران (۲۰۱۳) در تحقیقی به بررسی آموزش مهارت‌های اجتماعی گروه محور در بین گروهی از دانش‌آموزان دارای مشکلات رفتاری پرداختند. به همین منظور، آنان تعداد ۱۶۱ دانش‌آموز را انتخاب نمودند. اثرات مداخله در قالب یک مطالعه شبه آزمایشی همراه با یک ارزیابی ۱۲ ماه بعد از کمپ مستمر اختیاری تست شد. در ارزیابی سریع، هر دو گروه کنترل و آزمایش مشکلات اجتماعی و درونی کمتری را نشان دادند، در حالی که فقط گروه آزمایش، تغییر مثبت و اندکی در رابطه با اضطراب اجتماعی از خود نشان داد. بعد از ۱۲ ماه، نمونه کوچکی از گروه آزمایش (بچه‌هایی که کمپ مستمر را دنبال نمودند) تغییرات مثبت بیشتری را در رابطه با همه شاخص‌ها نشان دادند، به جز در باره مشکلات درونی که تغییر کمی پیدا کرد.

-بری و اوکونور (۲۰۱۰) در تحقیقی با عنوان "خطر رفتاری، روابط معلم - دانش‌آموز، و توسعه مهارت اجتماعی"، به بررسی فرایندهای رشد مهارت‌های اجتماعی از مهد کودک تا کلاس ششم پرداختند و نقش مشکلات رفتاری اولیه و روابط معلم - دانش‌آموز در توسعه مهارت اجتماعی بچه‌ها را مورد ارزیابی قرار دادند. از تحلیل داده‌ها چند نتیجه مهم به دست آمد. اول اینکه بطور کلی، بچه‌ها مسیر رشد مهارت اجتماعی منحنی شکلی را از مهد کودک تا کلاس ششم نشان دادند، به شکلی که یک دوره افزایش در سال‌های اولیه و اواخر ابتدایی و یک دوره کاهش ناچیز در سال‌های ماقبل آخر دوره ابتدایی مشاهده شد. دوم اینکه، دانش‌آموزان با سطوح بالاتری از مشکلات رفتاری درونی ماقبل مدرسه، سطوح پایین‌تری از مهارت‌های اجتماعی مهد کودک و فرایندهای رشد مهارت اجتماعی متفاوتی نسبت به همسالان خود را نشان دادند. سوم اینکه، دانش‌آموزانی که دارای رابطه بهتری با معلم خود بودند، مهارت‌های اجتماعی بیشتری را از مهدکودک تا کلاس ششم در مقایسه با همسالان دارای روابط کم با معلم، از خود نشان دادند.

۳. روش شناسی

پژوهش از نوع کاربردی می باشد. به عبارت دیگر تحقیق حاضر از حیث هدف، کاربردی و از حیث نحوه گردآوری داده ها، از دسته تحقیقات همبستگی می باشد.

جامعه ی آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل تمامی دانش آموزان دوره متوسطه شهرستان دلفان می باشد بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان، تعداد ۲۳۴ نفر از آنان به عنوان نمونه پژوهشی انتخاب شدند. روش نمونه گیری نیز به صورت تصادفی طبقه ای بود که ۱۵۶ نفر از دانش آموزان دختر و ۷۸ نفر از دانش آموزان پسر بر اساس جدول تعیین حجم نمونه مورگان به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند .

ابزار پژوهش

در این پژوهش از پرسشنامه محقق ساخته ۱۶ سوالی استفاده شده است.

روش گردآوری داده‌ها

روش تجزیه و تحلیل داده‌ها به صورت توصیفی و استنباطی انجام خواهد شد. روش توصیفی، اطلاعات و داده‌های خام استفاده از روشهای معین طبقه‌بندی شده و به صورت جداول و نمودارهای آماری نشان داده خواهد شد. در قسمت استنباطی، از آزمون کملوگروف - اسمیرنوف استفاده شده است با توجه به نرمال بودن داده‌ها از ضریب همبستگی پیرسون و تحلیل رگرسیون استفاده شده است.

تحلیل داده

۳. نتایج

فرضیه پژوهشی:

جدول ۱- توزیع فراوانی افراد مورد مطالعه براساس میزان مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر

مهارت- های اجتماعی		رفتارهای پرخطر					
		کم		متوسط		زیاد	
فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد	فراوانی	درصد
۲۲	۳/۷	۲۰	۳/۳	۸	۱/۳	۵۰	۸/۳
۳۳۰	۵۵	۷۲	۱۲	۸	۱/۳	۴۱۰	۶۸/۳
۱۳۲	۲۲	۶	۱	۲	۰/۳	۱۴۰	۲۳/۳
۴۸۴	۸۰/۷	۹۸	۱۶/۳	۱۸	۳	۶۰۰	۱۰۰

بررسی فرضیات

فرضیه اول: بین سن و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

جدول ۲ میزان همبستگی بین سن و رفتارهای پرخطر را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های جدول ضریب پیرسون ($r = -0.49$) و سطح معناداری (۰/۲۳۲)، بین سن و رفتارهای پرخطر در سطح ۹۵ درصد همبستگی وجود ندارد.

جدول ۲- همبستگی بین سن، تحصیلات و درآمد و رفتارهای پرخطر

متغیر	فراوانی	ضریب پیرسون (r)	سطح معناداری
سن	۶۰۰	-۰/۰۴۹	۰/۲۳۲
تحصیلات	۵۸۴	-۰/۰۴۴	۰/۲۸۹
درآمد	۵۵۲	۰/۱۲۵	۰/۰۰۳

فرضیه دوم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین جنس (مرد و زن) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳ نشان‌دهنده آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه بر حسب جنس می‌باشد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد میانگین نمره رفتارهای پرخطر مردان برابر با ۲۲/۳۰ و زنان برابر با ۱۲/۱۶ می‌باشد، که با توجه به مقدار T به دست آمده (۹/۳۵) در سطح بیش از ۹۹ درصد ($Sig=0/000$) تفاوت ملاحظه شده معنادار است. داده‌ها نشان می‌دهند که میزان رفتارهای پرخطر مردان بسیار بیشتر از زنان است. این یافته با نتایج تحقیق باریکانی (۱۳۸۷)، زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) و گرم‌رودی و همکاران (۱۳۸۸) همسو می‌باشد.

جدول ۳- آزمون تفاوت میانگین میزان رفتارهای پرخطر افراد با توجه به جنس و وضعیت تأهل

جنس	فراوانی	میانگین نمره رفتارهای پرخطر	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
مرد	۳۵۶	۲۲/۳۰	۱۴/۶۷	۹/۳۵	۰/۰۰۰
زن	۲۴۴	۱۲/۱۶	۱۰/۱۸		
وضعیت تأهل	فراوانی	میانگین نمره رفتارهای پرخطر	انحراف معیار	مقدار T	سطح معناداری
مجرد	۴۹۰	۱۸/۹۹	۱۳/۷۵	۳/۱۱	۰/۰۰۲
متأهل	۱۰۴	۱۴/۳۲	۱۴/۶۱		

فرضیه سوم: بین تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

جدول ۲ همبستگی بین تحصیلات فرد و رفتارهای پرخطر را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های به دست آمده یعنی ضریب پیرسون ($r=0/44$) و سطح معناداری ($0/289$)، بین تحصیلات و رفتارهای پرخطر در سطح ۹۵ درصد همبستگی وجود ندارد.

فرضیه چهارم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین وضعیت تأهل (مجرد و متأهل) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳ نشان‌دهنده آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر افراد مورد مطالعه بر حسب وضعیت تأهل می‌باشد. همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد میانگین نمره رفتارهای پرخطر افراد مجرد برابر با ۱۸/۹۹ و افراد متأهل برابر با ۱۴/۳۲ می‌باشد، که با توجه به مقدار T به دست آمده (۳/۱۱) در سطح بیش از ۹۹ درصد ($Sig=0/002$) تفاوت ملاحظه شده معنادار است. داده‌ها نشان می‌دهند که میزان رفتارهای پرخطر افراد مجرد بیشتر از متأهلان است.

فرضیه پنجم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین طبقه اجتماعی (بالا، متوسط و پایین) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۴ آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر با توجه به طبقه اجتماعی افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد. داده‌های جدول نشان می‌دهند که میانگین رفتارهای پرخطر افراد متعلق به طبقه پایین از طبقه بالا و متوسط بالاتر است. با توجه به مقدار F به دست آمده (۳/۸۲۸) و سطح معنی‌داری ($Sig=0/022$) این تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد. نتیجه به دست آمده با یافته‌های تحقیق زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) همسو می‌باشد.

جدول ۴- آزمون تفاوت میانگین میزان رفتارهای پرخطر افراد با توجه به طبقه اجتماعی

طبقه اجتماعی	فراوانی	میانگین نمره رفتارهای پرخطر	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
بالا	۲۶	۱۷/۳۸	۱۸/۸۴	۳/۸۲۸	۰/۰۲۲
متوسط	۴۵۴	۱۷/۳۹	۱۳/۴۳		
پایین	۱۲۰	۲۱/۳۱	۱۴/۳۳		
کل	۶۰۰	۱۸/۱۸	۱۳/۹۵		

فرضیه ششم: به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین ساختار خانواده (زندگی با پدر و مادر، زندگی با پدر و ...) تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۵ آزمون تفاوت میانگین رفتارهای پرخطر با توجه به ساختار خانواده افراد مورد مطالعه را نشان می‌دهد. داده‌ها نشان می‌دهند که میانگین رفتارهای پرخطر افرادی که با مادر خود و افرادی که به صورت مستقل زندگی می‌کنند، نسبت به سایرین بالاتر است. همچنین، میانگین رفتارهای پرخطر کسانی که با همسر خود زندگی می‌کنند (افراد متأهل) نسبت به سایرین کمتر است. با توجه به مقدار F به دست آمده (۳/۰۱۵) و سطح معنی‌داری ($Sig=0/011$) این تفاوت در سطح ۹۵ درصد معنادار می‌باشد.

جدول ۵- آزمون تفاوت میانگین میزان رفتارهای پرخطر افراد با توجه به ساختار خانواده

ساختار خانواده	فراوانی	میانگین رفتار پرخطر	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
زندگی با پدر و مادر	۴۵۴	۱۸/۱۸	۱۳/۸۰	۳/۰۱۵	۰/۰۱۱
زندگی با پدر	۸	۱۶/۵	۱۱/۸۲		
زندگی با مادر	۴۰	۲۳/۶	۱۳/۵۲		
زندگی مستقل	۳۰	۲۱/۴	۱۰/۱۲		
زندگی با همسر	۶۶	۱۳/۷۸	۱۵/۷۹		
کل	۶۰۰	۱۸/۱۸	۱۳/۹۵		

فرضیه هفتم: بین درآمد و رفتارهای پرخطر رابطه وجود دارد.

جدول ۲ همبستگی بین درآمد خانوار و رفتارهای پرخطر را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های به دست آمده یعنی؛ ضریب پیرسون ($r=0/125$) و سطح معناداری ($0/003$)، بین درآمد و رفتارهای پرخطر در سطح ۹۹ درصد همبستگی مثبت و ضعیفی وجود دارد. به عبارت دیگر، هرچه درآمد افزایش یابد، رفتارهای پرخطر نیز بیشتر می‌شود. این یافته با نتایج تحقیقات داخلی مانند باریکانی (۱۳۸۷) همسو و زاده‌محمدی و احمدآبادی (۱۳۸۷) ناهمسو می‌باشد.

۴. بحث

با توجه به این واقعیت که نوجوانان و جوانان هر جامعه‌ای، مدیران، مسؤولان، اداره کنندگان و تولیدکنندگان فردای جامعه هستند، توجه به راهکارهای کاهش رفتارهای پرخطر در این سن مهم و حیاتی است.

نتایج آزمون فرضیات نشان داد بین درآمد، دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت، باور به اصول اخلاقی، مهارت اجتماعی و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری وجود دارد. همچنین، به لحاظ رفتارهای پرخطر، بین جنس، وضعیت تأهل، طبقه اجتماعی و ساختار خانواده تفاوت معناداری وجود دارد. اما، بین سن، تحصیلات و رفتارهای پرخطر رابطه معناداری مشاهده نشد. از مواردی که باید به آن توجه نمود این است که میزان وقوع رفتارهای پرخطر در بین مردان بیشتر از زنان، در بین افراد مجرد بیشتر از افراد متأهل، در بین طبقه پایین بیشتر از طبقه متوسط و بالا، در بین افرادی که مستقل یا با مادر خود زندگی می‌کنند بیشتر از سایر مقوله‌ها می‌باشد.

همان‌طور که قبلاً اشاره شد، چارچوب نظری این تحقیق، مبتنی بر نظریه کنترل اجتماعی تراویس هیرشی می‌باشد. نظریه‌های کنترل فرض می‌کنند که علت رفتار بزهکارانه فقدان یک عامل درونی یا بیرونی برای افراد است. این عامل یک عامل محدودکننده و کنترل کننده می‌باشد (شومیکر، ۲۰۰۹). در نظریه کنترل اجتماعی هیرشی که با عنوان نظریه پیوند اجتماعی نیز شناخته می‌شود، جوانان دارای دلبستگی‌هایی به بخش‌های مختلف جهان اجتماعی خودشان هستند و این دلبستگی‌ها یا پیوندها، آنان را از ارتکاب اعمال مجرمانه یا بزهکارانه باز می‌دارد (همان). در این نظریه، ارتباط بین بزهکاری (رفتارهای پرخطر) و شرایط سه نهاد خانواده، مدرسه و مذهب مدنظر قرار گرفته است و کنترل اجتماعی براساس میزان التزام آنها در نوع برخورد با بزهکاری تبیین می‌شود. ضرایب همبستگی به دست آمده بین این متغیرها و متغیر رفتارهای پرخطر نشان داد که هر چهار متغیر (دلبستگی، تعهد، مشارکت و باور) رابطه معنادار اما معکوسی با رفتارهای پرخطر داشتند. این مسأله نشان می‌دهد که هرچه دلبستگی به خانواده و دوستان، تعهد به هنجارها، مشارکت در فعالیت‌های مختلف و باور به اصول اخلاقی افراد بیشتر باشد، میزان رفتارهای پرخطر آنان کمتر خواهد شد. به عبارت دیگر، هرچه میزان کنترل اجتماعی چه به شکل رسمی و چه غیررسمی بر روی افراد بیشتر باشد، رفتارهای پرخطر کمتری از سوی آنان سر می‌زند. بنابراین، نقش نهادهایی مانند خانواده، مدرسه و مذهب در تبیین بزهکاری یا رفتارهای پرخطر باید مورد توجه قرار بگیرد. به ویژه اینکه در رابطه با مهارت‌های اجتماعی این نهادها هم تأثیرگذاری عمیقی دارند، زیرا این نهادها می‌توانند در درونی کردن رفتارهای بهنجار و هم‌نو با ارزش‌های جامعه و آموزش مهارت‌های اجتماعی به نوجوانان و جوانان بسیار تأثیرگذار بوده و هم اینکه در انجام رفتارهای پرخطر توسط جوانان نقش بازدارندگی قوی‌ای ایفا نمایند.

۵ نتیجه گیری

از بین نهادهای مختلف، خانواده به عنوان یک متغیر اصلی در بود یا نبود بزهکاری نقش دارد. زیرا اولین جایی است که فرد با آن روبرو بوده و در آن بزرگ می‌شود. بنابراین، در درونی کردن هنجارهای جامعه و آموزش صحیح مهارت‌های اجتماعی نقش بسیار مهمی برعهده دارد. با این حال، اگر خانواده نتواند کارکردهای خود را به خوبی انجام دهد، زمینه بروز بسیاری از انحرافات و بزهکاری‌ها فراهم خواهد شد. ساختار خانواده از جمله خانواده از هم گسیخته که یک یا هر دوی والدین به علت رویدادهایی مانند مرگ، طلاق و موارد دیگر حضور ندارند، یکی از عوامل تأثیرگذار بر رفتار جوانان به شمار می‌رود. بسیاری از تحقیقات نشان دادند که ارتباط معناداری بین بزهکاری و خانواده از هم گسیخته وجود دارد. همچنین، ماهیت روابط خانوادگی که در برگیرنده عواملی مانند اختلافات والدین، ارتباط والدین - کودک و الگوهای نظارتی می‌باشد، بر روی رفتار جوانان تأثیر می‌گذارد (شومیکر، ۱۳۸۹). هرچه میزان اختلاف بین والدین بیشتر بوده و محیط خانه دچار تنش باشد، رابطه والدین با فرزندان‌شان و الگوهای نظارتی که والدین اعمال می‌کنند ضعیف باشد، میزان بزهکاری و رفتارهای پرخطر جوانان افزایش می‌یابد. احساس یگانگی عاطفی با والدین، رفتار توأم با عشق و احترام والدین با فرزندان و وجود سازگاری در زندگی زناشویی باعث می‌شود که نوجوانان و جوانان به طور قابل ملاحظه‌ای گرایش کمتری به انجام رفتارهای بزهکارانه و پرخطر داشته باشند.

تعهد نیز به سرمایه‌گذاری‌هایی اشاره دارد که فرد در جامعه انجام داده است. هرچه قدر سرمایه‌گذاری‌های مردم در تحصیلات، سوابق شغلی و سایر دارایی‌های خود بیشتر باشد، علت بیشتری دارند که هم‌نوا باشند تا بتوانند از دستاوردهای خود محافظت کنند. بنابراین، به خاطر از دست ندادن سرمایه‌گذاری‌های خود، از قانون پیروی نموده و از بزهکاری و جرم اجتناب می‌کنند. از این منظر، سرمایه‌گذاری‌هایی که افراد در مقوله‌ای مانند تحصیلات انجام می‌دهند، باعث ایجاد تعهد و درگیر شدن آنها در فعالیت‌های علمی شده و وقت چندانی برای مشارکت در رفتارهای بزهکارانه باقی نمی‌گذارد. البته باید به این نکته نیز اشاره کرد که عدم موفقیت در تحصیل، انگیزه‌های مهمی برای بروز رفتارهای انحرافی در نوجوانان و جوانان ایجاد می‌کند. هیرشی (۱۹۶۹) دریافت کسانی که به والدین‌شان دلبستگی ندارند، به مدرسه نیز تمایلی ندارند. همچنین، وی به این نتیجه رسید که داشتن نگرش‌های مثبت نسبت به تحصیل با میزان پایین‌تری از بزهکاری همراه است.

باور عمومی این است که رابطه‌ای معکوس بین مذهب و بزهکاری وجود دارد (اگرچه عنصر باور یا اعتقاد به عنوان یکی از عناصر چهارگانه نظریه کنترل اجتماعی هیرشی اشاره مستقیمی به مذهب ندارد، اما به علت این که منظور از این عنصر، باور داشتن به اصول اخلاقی رایج در جامعه می‌باشد، بر این اساس مذهب منبع اصلی و عمده شکل دادن به اصول و باورهای هر جامعه‌ای است). هرچه قدر یک فرد پیوندهای قوی‌تری با فاکتورهای مذهبی داشته باشد، رفتارهای بزهکارانه کمتری خواهد داشت. برای مثال، اگر یک فرد در فعالیت‌های مذهبی حضور بیشتری داشته باشد، درگیری وی در بزهکاری کمتر خواهد بود (شومیکر، ۲۰۰۹: ۱۲۸). حضور منظم در کلیسا و ابراز ارزش‌های مذهبی موجب مشارکت بسیار کمتری در بزهکاری، به ویژه در مصرف مواد و الکل و رفتارهای پرخطر می‌گردد. زیرا هم باعث شکل‌گیری باور و اعتقاد نسبت به نادرستی رفتارهای بزهکارانه در افراد می‌شود و هم شرکت آنها در فعالیت‌ها و اعمال مذهبی، فرصت دیگری برای حضور و درگیری در رفتارهای ضد اجتماعی و انحرافی باقی نمی‌گذارد (اسمیت و فاریس، ۲۰۰۲؛ جانسون و همکاران، ۲۰۰۰: ۳۷۷-۳۹۱).

داشتن جهان‌بینی مذهبی در معنابخشی به زندگی، امید به زندگی و احساس امنیت خاطر تأثیر بسزایی دارد و مانند سپری در مقابل از خودبیگانگی و خلأ وجودی عمل می‌کند. به عبارت دیگر، مذهب به زندگی انسان جهت می‌دهد، از او در مقابل فشارهای روانی محافظت می‌کند و سلامت روانی فرد را فراهم می‌کند. در نتیجه، تأمین سلامت روانی، فرد را از مصرف مواد مخدر و الکل (انجام رفتارهای پرخطر) باز می‌دارد (محمدزاده رومیانی، ۱۳۸۶: ۱۶-۲۰).

کمبود مهارت‌های اجتماعی برای انجام رفتار صحیح موجب ارتکاب اعمال بزهکارانه و رفتارهای پرخطر از سوی افراد می‌گردد. همان‌طور که در آزمون فرضیات مشاهده شد ($F=4.27$) و ($sig=0.000$)، رابطه معکوس و متوسطی بین مهارت‌های اجتماعی و رفتارهای پرخطر وجود دارد. در معادله رگرسیونی نیز مهارت‌های اجتماعی در مرحله چهارم وارد معادله گردید. مجهز بودن افراد به مهارت‌های اجتماعی، آنان را قادر می‌سازد

در موقعیت‌های مختلف، واکنش‌های مناسب و منطقی از خود بروز داده و از وقوع رفتارهایی که دارای پیامدهای خطرناک و مضر بوده، جلوگیری نمایند.

درواقع، زیمل، کارکرد دوگانه فرهنگ را بررسی می‌کند. از طرفی یک فرد تنها با دریافت ارزش‌های فرهنگی پیرامون و درونی کردن آن‌ها می‌تواند زندگی و رشد کند و از طرف دیگر همین ارزش‌ها فرد را به انقیاد خود در می‌آورند و به اسارت می‌کشند. انسان پیوسته با فرآورده‌های فرهنگی همچون دین، اخلاق، رسوم و علم سروکار دارد که اعتباری ظاهراً جاودانه دارند و فضیلت انسان بسته به میزان دریافت و جذب او از این موارد دارد ولی از طرف دیگر فرهنگ آفریده شده، صورتی عینی به خود می‌گیرد و از تحولی درونی پیروی می‌کند که با سرچشمه اولیه ایجاد آن‌ها تضاد و تناقض پیدا می‌کند و در نتیجه با انسان بیگانه می‌شود. عناصری فرهنگی که او را تحت فشار قرار می‌دهند زیرا که نمی‌تواند خود را کاملاً با آن‌ها هماهنگ سازد.

۶ مراجع

قرآن کریم

* نهج البلاغه

. ابن خلدون، مقدمه ابن خلدون.

. ادواردز، ج، گرب، نابرابری های اجتماعی، ترجمه: محمد سیاه پوش واحمد رضا غروی زاده، تهران، نشر معاصر، ۱۳۷۳.

. ادیبی، حسین، جامعه شناسی طبقات اجتماعی، تهران، انتشارات علوم اجتماعی، ۱۳۵۴.

. الموسوی الخمينی علیهم السلام، روح الله، صحیفه نور، ج ۲۱ و... .

. بهی، محمد، اسلام و سیمای طبقاتی اروپا، مترجم: محمود خضری، تهران، انتشارات بعثت، ۱۳۵۳.

. تاملین، ملوین، جامعه شناسی قشر بندی و نابرابری اجتماعی، ترجمه: عبدالحسین نیک گهر، تهران، انتشارات توتیا، ۱۳۷۳.

. تأثیر تلویزیون بر زندگی خانوادگی، ترجمه: مسعود علیا، قم، انتشارات صدا و سیما، ۱۳۷۶.

. تهرانی، سعید، تجدید حیات معنوی جامعه، تهران، نشر فجر، ۱۳۸۱.

. حائری شیرازی، محی الدین، مقدمه ای بر علوم انسانی اسلامی، شیراز، انتشارات نوید، ۱۳۶۳.

. حاجی حسینی، حسین، عدالت اجتماعی از دیدگاه امام علی علیه السلام، پایان نامه، ۱۳۸۱.

. حجتی کرمانی، علی، اسلام و تبعیضات نژادی، تهران، شرکت سهامی انتشار، ۱۳۶۱.

. حکیم پور، محمد، نقش صدا و سیما در تحکیم وحدت ملی، قم، انتشارات صدا و سیما، مرکز مطالعات و پژوهش های و سنجش برنامه های، ۱۳۸۰.

. دفتر همکاری حوزه و دانشگاه، مبانی اقتصاد اسلامی، تهران، انتشارات سمت، چاپ اول، ۱۳۷۷.

. رفیع پور، فرامرز، آناتومی جامعه، تهران، نشر دانشگاه، ۱۳۸۰.

. رید، بلیک و ادوین هارولد سن، طبقه بندی مفاهیم در ارتباطات، ترجمه: مسعود اوحدی، تهران، انتشارات سروش، ۱۳۷۸.

. ژان، کازنو، جامعه شناسی وسایل ارتباط جمعی، ترجمه: باقر ساروخانی و منوچهر محسنی، تهران، انتشارات اطلاعات، چاپ پنجم، ۱۳۷۳.

. شریعتی، علی، علی علیه السلام، مجموعه آثار ۲۶، تهران، انتشارات نیلوفر، چاپ دوم، ۱۳۶۲.

. شریفی اشکوری، محمد، اسلام و مبارزه با تبعیضات نژادی، قم، انتشارات لسان الصدق، چاپ اول، ۱۳۸۳.

. صفا، داود، بررسی وضعیت قشر بندی اجتماعی و رابطه آن با میزان دین داری و نوع قرائت دینی در شهر قم، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۸۲.

. طباطبایی، سید محمد حسین، تفسیر المیزان، تهران، نشر بیتا، ج چهارم.

- . عبدالقادر کامل، عبدالعزیز، اسلام و مسئله نژاد، ترجمه: سیدخلیل خلیلیان، تهران، انتشارات حقوق بشر، ۱۹۷۱م.
- . غلامی، مهدی، مطالعه تطبیقی فقر از دیدگاه جامعه‌شناسی و اسلام، کرمان، انتشارات دانشگاه شهید باهنر، ۱۳۷۶.
- . کرمی، محمد مهدی، پورمند و محمد، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، تهران، نشر سمت، چاپ اول، ۱۳۸۰.
- . کریمی، سعید، اعتدال سیاسی (مسئولیت رسانه در پیدایش و توسعه آن)، قم، انتشارات مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۰.
- . کوئن، بروس، درآمدی بر جامعه‌شناسی، ترجمه: محسن ثلاثی، تهران، نشر توتیا، ۱۳۷۸.

Investigation of Sociological Factors Affecting Social Inequalities and High Risk Behaviors among High School Students in Nurabad Lorestan

Author 1, Safi Allah Safaee 2 Yousef Yeganeh

1. PhD in Social Sciences, Assistant Professor, Payame Noor University of Hamedan

2. Master's degree student of sociology of Payame Noor University in Hamedan, Education Director of Noorabad Lorestan

Abstract

The purpose of this study was to investigate the sociological factors affecting social inequalities and gender discrimination in high school students (a case study of Noorabad city in Lorestan). The present research is purposeful, applied, and in terms of collecting data, is a correlation research group. The statistical population of this study included all residents of Delfan city. Based on Morgan sample size table, 234 of them were selected as research sample. The sampling method was stratified randomly. 156 women and 78 men were selected based on the Morgan sample size table. In this research, a researcher-made questionnaire of 16 questions was used. In this study, Kolmogorov-Smirnov test was used to verify the normal distribution of data. The results show that Pearson correlation coefficient for the relationship between sociological factors and social inequalities (study The case of Lorestan city of Nurabad is estimated at 0.395. Regarding the criteria, it can be said that there is a moderate correlation between sociological factors and social inequality and gender discrimination in high school students (case study of Noorabad city of Lorestan) which according to the significance level estimated to be 0.001 , This correlation coefficient is considered to be statistically significant at a confidence level of 0.99.

Key words: Sociological factors, social inequality, gender discrimination, Delfan city